رضا بابایی درگذشت

رضا بابایی، نویسنده و پژوهشگر دینی، در ۵۵ سالگی درگذشت. خبر فوت این نویسنده نواندیش حوزوی که از چند ماه گذشته به بیماری سرطان مبتلا بود روز گذشته منتشر شد. نوشته‌های روان و دیدگاه‌های روشن او درباره تحولات فکری و فرهنگی جامعه امروز ایران خواندنی بود. آنطور که ایسنا نوشته «مولوی و قرآن»، «درآمدی بر دین‌شناسی حافظ»، «بهتر بنویسیم»، «خارج از نوبت»، «آیین قلم» و «نیایش‌نامه» برخی از آثار او هستند.

«یک چیز خوب کوچولو» در ایران

«یک چیز خوب کوچولو» کتاب برگزیدگان جایزه اُ. هنری سال ۱۹۸۳ با ترجمه لیدا طرزی از سوی انتشارات کتاب نیستان روانه بازار شد. در این کتاب هفت داستان کوتاه از نویسندگانی صاحب سبک که آثاری از آنها در آمریکای شمالی و کانادا منتشر شده است به مخاطبان عرضه شده. در میان این آثار می‌توان به داستان‌هایی از جان آیداپک، ریموند کارور، لی بوچانان، پیتر مینک، گلوریا ولان، دیوید پلنت و... اشاره کرد.

طرح: جام جم

همنشین با جلال و جمالزاده

آیت‌ا... سیدهادی خسروشاهی از اولین درگذشتگان سرشناس مبتلا به کرونا در ایران بود؛ ۴۹ روز پس از ورود کرونا به ایران و ۴۰ روز پس از درگذشت ایشان، روابط این روحانی با ادبیات و اهالی آن را مرور کرده‌ایم

صابر محمدی

ادبیات و هنر

ویروس کرونا، از همان ابتدا مرزی قائل نبود و از سرشناس‌ها هم سراغ می‌گرفت. یکی از نخستین آدم‌های سرشناسی که پس از ابتلا به این ویروس درگذشت، آیت‌ا... سیدهادی خسروشاهی بود. کرونا در واقع یکی از نمایندگان مهم گفتمان تقریب مذاهب در عصر معاصر را نشانه رفت و او را به کام مرگ کشاند. او در قم مبتلا شده بود.

در این چند روز از تلاش‌های خسروشاهی برای ترویج اسلام و تقریب مذاهب بسیار نوشته‌اند. در این گزارش اما ما می‌خواهیم از چهره‌ای دیگرگون از او بنویسیم که کمتر به آن پرداخته شده؛ به قرابت‌های خسروشاهی با ادبیات و اهالی آن. پژوهشگری که هم سر از دیدار با محمدعلی جمالزاده در سوئیس درمی‌آورد و هم با جلال آل احمد همنشین می‌شد. شاید باورتان نشود اما بین کتاب‌هایی که او تالیف یا ترجمه کرده، یک کمیک استریپ برای بچه‌ها هم دیده می‌شود.

بنابراین، در این گزارش، عجالتا با دیگر فعالیت‌های سیدهادی خسروشاهی کاری نخواهیم داشت؛ از جمله همکاری با روزنامه اطلاعات، شرکت در کنفرانس‌ها و کنگره‌های اسلامی در کشورهای اروپایی و اسلامی، حضور به عنوان سفیر ایران در واتیکان، تاسیس مرکز فرهنگی اسلامی اروپا در رم، تاسیس ماهنامه‌ای به زبان انگلیسی با عنوان انکوائری و هفته‌نامه‌ای به زبان عربی با عنوان العالم در لندن، چاپ و نشر ترجمه قرآن مجید و نهج‌البلاغه به زبان ایتالیایی و نشر ماهنامه‌ای به نام جهان نو به زبان ایتالیایی، انتشار بالغ بر ۵۰ جلد کتاب و نشریه درباره ایران، تشیع و اهل بیت (ع) با همکاری و مساعدت او در مصر و....

دیدار با جلال آل احمد

طالقانی گفت با جلال آشنا شو

۲۳ آذر ماه سال گذشته و هنگام برگزاری اختتامیه دوازدهمین دوره جایزه جلال آل احمد، یکی از کسانی که پشت تریبون رفت، سیدهادی خسروشاهی بود. برای کسانی که آن روز در تالار قلم کتابخانه ملی ایران بودند و از گذشته خسروشاهی چندان اطلاعی نداشتند عجیب می‌نمود که او در مقام یک پژوهشگر دین چه ربطی به جلال دارد که پشت تریبون رفته است، اما خب او آن روز از چند خاطره شنیدنی‌اش با نویسنده «مدیر مدرسه» رونمایی کرد:

آشنایی من با آل احمد، معطوف به دوره اوج نهضت ملی ایران است. آن زمان نوجوانی بودم ساکن تبریز و علاقه بسیاری به خواندن روزنامه‌ها داشتم. یک روزنامه‌فروش توده‌ای در تبریز بود که روزنامه‌های حزب توده را بر تابلویی می‌چسباند تا همه آن را بخوانند. من هم بسیاری از روزنامه‌ها از جمله روزنامه شاهد را که ارگان حزب زحمتکشان بود و آل احمد در آن مقاله می‌نوشت به این شکل می‌خواندم. سال ۱۳۳۳ به قم و تهران آمدم و در خدمت دوستان در مسجد هدایت رسیدم. از آنجا بود که به توصیه مرحوم آیت‌ا... طالقانی با جلال آشنا شدم. به او تلفن کردم و به دیدارش رفتم و دوستی ما با همدیگر نزدیک‌تر شد و در همان دیدار بود که جلال ماجرای رسانه هواداری‌های نامشروع و آنچه بر سر آنها آمد را برای من تعریف کرد و نسخه‌ای از آن را هم گرفت. سال‌ها بعد به همت موسسه اطلاعات تجدید چاپ شد.

خاطره دیگری که از جلال دارم درباره مقاله‌ای بود که با موضوع اسرائیل در مجله جنگ هنر امروز نوشته بود و باعث شد کل آن ویژه‌نامه توقیف شود. به دیدارش رفتم و خواستار نسخه‌ای از آن مقاله شدم که تنها نسخه‌ای که از آن داشت به من داد و سال‌ها پس از آن در قالب کتابی با عنوان اسرائیل؛ عامل امپریالیسم در قم با شمارگان ۵۰۰۰ نسخه چاپ کرده بود. استقبال از آن آن قدر زیاد بود که در چاپ دوم خواستار انتشار ۵۰ هزار نسخه‌ای آن شدند که عنوان کردم بیش از این برایم مقدور نیست و خودتان تجدید چاپش کنید. این مساله برای متولیان امروز کتاب هم که در قالب هزار نسخه کتاب را چاپ می‌کنند، قابل توجه است.

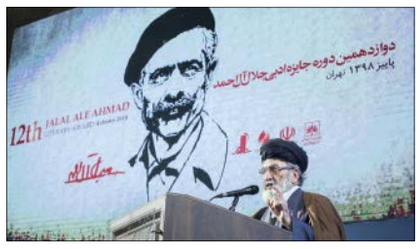

آقای داریوش آشوری پس از انتشار کتاب غربزدگی جلال، مقالاتی را با عنوان غرب‌زدگی نوشت و آل احمد را متهم به غرب‌زده‌شدن کرد. من در همان موقع آل احمد را دیدم و به او گفتم نمی‌خواهی به این مقالات پاسخی بدهی که گفت: اینها می‌خواهند من را ردیه نویس کنند، اما من دارم اثری می‌نویسم با عنوان خدمت و خیانت روشنفکران که پاسخ آنها را می‌دهم و وارد بازی‌ای که آنها می‌خواهند نمی‌شوم.

تصویری هم از او به یادگار مانده همراه با شمس آل احمد برادر جلال است.

دیدار با جمالزاده

پیرمرد دل به ایران داشت

بین عکس‌هایی که از مرحوم خسروشاهی به جا مانده، عکسی است که او را کنار محمدعلی جمالزاده، داستان‌نویس بزرگ ایرانی نشان می‌دهد. احسان رضایی که کارشناس کتاب است حدس زده بود این عکس مربوط به دیدار خسروشاهی با محمدعلی جمالزاده در دوران سفارت او در واتیکان در دهه ۶۰ باشد؛ اما غلامرضا امامی تصویر دیگری از آن دیدار برای رضایی فرستاده و نوشته: «سلام. دیدم که یادی از عزیزمان دوست دیرین جناب سید هادی خسروشاهی کرده بودید. این عکس از سفری است که با هم به دیدار جمالزاده در ژنو سوئیس رفتیم.» امامی همچنین در یادداشتی دیگر در این باره نوشته: «در ایام اقامتش در رم خدای را شکر که در خدمتش بودم و نخستین بار به زیبایی و روانی و رسایی قرآن، نهج‌البلاغه امام علی(ع) و بسیار کتاب‌ها از جمله پیامبر [زین‌العابدین] رهنما به ایتالیایی، فرانسه و انگلیسی درآمد و نیز نشریه‌ای به زبان ایتالیایی با نام انعکاس اسلام. سفرهای بسیاری در ایران و خارج با هم رفتیم. سفری به یادماندنی به سوئیس برای دیدار با جمالزاده و سر زدن به او، به پیرمردی که دل به ایران داشت.»

ادبیات کودک و نوجوان

کمیک‌استریپ برای بچه‌ها

سیدهادی خسروشاهی بیش از ۱۶۰ جلد کتاب تالیف و ترجمه در کارنامه دارد. اغلب کتاب‌ها پژوهش‌هایی است در مباحث دینی و نیز تصحیح و ترجمه متون مذهبی. اما در کارنامه او یک کتاب بین این همه اثر مذهبی توجه‌ها را به خود جلب می‌کند که به ادبیات و آن هم ادبیات کودک و نوجوان مربوط است. کتاب مصوری با عنوان «سفر به سوی ماه» که بر اساس یک اثر مصری از ایهاب الازهری است و تاریخچه تلاش انسان برای سفر به ماه را روایت می‌کند. این کتاب که کمیک‌استریپ است، سال ۱۳۶۶ منتشر شده است.

یکی از نخستین آدم‌های سرشناسی که پس از ابتلا به کرونا درگذشت، آیت‌ا... سیدهادی خسروشاهی بود. این ویروس در واقع یکی از نمایندگان مهم گفتمان تقریب مذاهب در عصر معاصر را نشانه رفت و او را به کام مرگ کشاند

یادداشت: آذر مهاجر

ادبیات و هنر

از یاد رفتگان!

برای صنف کتابفروشان درد مضاعف است که نامشان از فهرست فعالیت‌ها و زیربخش‌های اقتصادی و صنوف تولیدی و خدماتی آسیب‌دیده از کرونا جا مانده باشد. ماجرا چیست؟ خیلی ساده، خیلی سنگین؛ وزارت تعاون یک فهرست از مشاغل آسیب‌دیده از کرونا منتشر کرده و در این فهرست که ۵۰ عنوان شغلی یا صنفی را شامل می‌شود، از کتابفروشی‌ها خبری نیست. از صنف حمل‌ونقل ریلی بار و مسافر تا مراقبت در منزل عقب‌مانده‌های ذهنی و سلامت روان و نیز حتی صنف خرده‌فروشی خواربار و لبنیات و مواد غذایی و آجیل در این فهرست جایی دارند اما کتابفروشی‌هانه!

کرونا برای کتابفروش‌ها غول مرحله آخر بود؛ چند سالی است که بازارشان کساد شده اما از ابتدای سال گذشته مثل سایر فعالان عرصه نشر در معرض زیان بوده و با مشکلات و تبعات ناشی از گران شدن کاغذ دست و پنجه نرم کرده است. بعد از بالا رفتن نرخ ارز و گران شدن کاغذ، موانع پی در پی، پیش رو داشته، موانعی چون قاچاق کتاب، دستفروشی کتاب، افزایش قیمت کتاب، کاهش تیراژ و حالا رسیده به غول مرحله آخر؛ به کرونا که حتی برگزاری نمایشگاه کتاب تهران را هم به تعویق انداخته و معطل نگاه داشته است.

در روزهای قرنطینه، کتابفروشی‌ها مثل بسیاری فروشگاه‌های دیگر تعطیل بوده و بعید است فروش آنلاین کتاب یا فروش کتاب‌های صوتی در این روزها بر اثر در خانه ماندن بسیاری از مردم، رشد و رونقی گرفته باشد تا حدی که بتوان صنف کتابفروش‌ها را از آسیب‌های کرونا و رکود در امان فرض کرد. بنابراین جا ماندن این صنف از فهرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی عجیب و نیز تاسف‌برانگیز است.

گویا قرار شده مشاغل آسیب‌دیده از کرونا، مورد حمایت قرار بگیرد و از آنجا که این فهرست مبنای دستورالعمل‌های حمایتی خواهد بود، ای‌کاش هرچه زودتر صنف کتابفروشان هم در این فهرست قرار بگیرند تا دست‌کم از حمایت‌های احتمالی محروم نشوند.

راش

«سلفی با دموکراسی» در جشنواره آمریکایی

فیلم سینمایی «سلفی با دموکراسی» ساخته علی عطشانی در بخش مسابقه جشنواره فیلم «منطقه‌ای جنوب شرق ایالات متحده آمریکا» از میان آثار بیش از ۲۸ کشور، نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم بین‌المللی شد.

بنابر اعلام سایت کمپانی امریکن برایتلایت فیلم پروداکشنز که پخش جهانی فیلم سینمایی سلفی با دموکراسی را بر عهده دارد، این فیلم به کارگردانی علی عطشانی و تهیه‌کنندگی مشترک سیدمحمد احمدی و علی عطشانی در دومین حضور بین‌المللی خود پس از نمایش در بازار جشنواره فیلم برلین، نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم شد.

پژمان بازغی، پولاد کیمیایی، کورش تهامی، آتیلا پسیانی، سیما تیرانداز، امیرعباس گلاب، دنیا مدنی، مهدی صبایی و قاسم زارع از جمله بازیگرانی هستند که در این فیلم به ایفای نقش پرداخته‌اند.

عطف

نگاه یک فرانسوی به دفاع مقدس

کتاب «روایت جنگ در دل جنگ» با نگاهی به مستندهای شهید سیدمرتضی آوینی از دید یک نویسنده فرانسوی منتشر شد.

آنطور که مهر نوشته، کتاب روایت جنگ در دل جنگ با نگاهی به مستندهای شهید سیدمرتضی آوینی در آستانه روز هنر انقلاب اسلامی و در «چهلمین سال آغاز دفاع مقدس» توسط انتشارات بنیاد سینمایی فارابی و نشر واحه منتشر شد.

کتاب روایت جنگ در دل جنگ با نگاهی به مستندهای شهید سیدمرتضی آوینی، تألیف انیس دوویکتور استاد دانشگاه سوربن است. محمدمهدی شاکری مترجم و مریم امینی سرویراستار آن بوده‌اند.

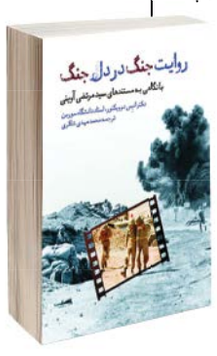

«سرنوشت» که به آهنگسازی انوشیروان روحانی و خوانندگی همایون شجریان منتشر شده، علاوه بر برخی کاربران فضای مجازی، واکنش شاعران را هم برانگیخته است

چرا خواندی؟

زینب مرتضایی فرد

ادبیات و هنر

این که در عالم هنر نام و چهره یک نفر تبدیل به برند شود و خیلی‌ها بشوند هوادار و دنبال‌کننده‌اش، اتفاق چندان ساده‌ای نیست. فرد مورد نظر باید بتواند کار با کیفیت ارائه کند و البته در کنارش شیوه‌ها و تیم تبلیغاتی هوشمندی هم داشته باشد. همایون شجریان همه اینها را داشت، هر چند اوایل فعالیت مستقلش به عنوان خواننده بسیاری او را زیر سایه نام پدر می‌دیدند و می‌گفتند ره صد ساله را یکشبه طی کرده، اما او نشان داد راه و مسیر خودش را دارد و دلش می‌خواهد تجربه‌های متفاوتی را هم پشت سر بگذارد.

همایون خیلی زود نشان داد می‌تواند به طور مستقل هم به‌عنوان یک هنرمند فعالیت کند و البته انتقادات بسیاری هم از جانب بزرگان موسیقی شنید و مسیر خودش را رفت. گاه مورد استقبال قرار گرفت و گاهی هم آلبوم‌های ناموفقی منتشر کرد، از جمله این آثار می‌شود به «امشب کنار غزل‌های من بخواب» به آهنگسازی فردین خلعتبری و «افسانه چشم هایت» به آهنگسازی مهیار علیزاده و خوانندگی مشترک با علیرضا قربانی اشاره کرد.

هر چند همایون آنقدر طرفدار دارد که خیلی هایشان همین آلبوم‌ها را هم دوست داشتند و خلاصه هر چه او می‌خواند را تایید کنند و بگویند خوب است، اما بالاخره این آلبوم‌ها نتوانستند آثاری شاخص در میان آلبوم‌های همایون شوند و قطعاتی داشته باشند که هیت و همه گیر شوند. اتفاقی که درباره آلبوم‌هایی چون «ایران من»، «رگ خواب»، «نه فرشته‌ام نه شیطان» و... به سهولت رخ داد. هر چند به کارهای مشترک او و برادران پورناظری هم تا دلتان بخواهد نقد وارد شد اما نمی‌توان منکر همه گیری آنها شد.

انوشیروان روحانی هم آهنگساز کاردرستی است و «تولدت مبارک» ساخته نمونه یک کار همه‌گیر است که حسابی هم به‌یاد ماندنی شده است. پیانو و آکاردئون نوازی‌های او طی سال‌های گذشته در فضای مجازی بارها مورد استقبال کاربران قرار گرفته‌اند و البته در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب چندان پرکار نبوده و آثار موفقش اغلب به دوره همکاری‌اش با ارکستر گل‌ها برمی‌گردد.

ماجرای سرنوشت

حالا این دو هنرمند یعنی همایون شجریان و انوشیروان روحانی که از قضا هر دو هم متعلق به خانواده‌هایی هستند که موسیقی در آنها ریشه‌ای دیرینه دارد، قطعه‌ای را با همکاری هم منتشر کرده‌اند به نام «سرنوشت» که به سرنوشت بسیاری از دیگر کارهای همایون دچار شده است؛ عده‌ای بسیار دوستش دارند و عده‌ای دیگر هم به کنایه می‌گویند به همان کارهایش با برادران پورناظری راضی شده‌اند!

فارغ از نظر کاربران که اغلب شعر را دوست نداشته‌اند، شاعران هم این بار به اظهار نظر پرداخته و از همایون پرسیده‌اند که واقعا چرا چنین شعری را خوانده است. ایراد اولی که به تصنیف وارد است، یک اشکال فنی است. کلام قطعه «سرنوشت» ایراد وزنی دارد و همایون در تمام بخش‌های خوانندگی سعی می‌کند با کشیدن کلمات این ایراد را برطرف کند.

اسماعیل امینی و سیداکبر میرجعفری هم از جمله شاعرانی هستند که در این باره نوشته و کلام این قطعه را نقد کرده‌اند. امینی می‌گوید: به نظر می‌رسد کلام این قطعه بر اساس ملودی نوشته شده است. هر چه هست این جملات پراکنده هیچ حرفی برای گفتن ندارند و اغلب سطرهای این تصنیف حتی معنای قابل درکی هم ندارند. گزاره‌هایی با کلمات خوشایند، اما بدون ارتباط معنایی، من اسمش را گذاشته‌ام پوچ‌نویسی.

البته نمونه مشابه این دست از آثار کلامی که وارد عالم موسیقی شده‌اند و حسابی هم شنیده شده‌اند، مثلا وقتی آن گروه موسیقی‌ای که مدتی هم پرطرفدار بود تنها تووووو تو می‌رویییی... بگذریم، ادامه‌اش را خودتان می‌دانید.

میرجعفری هم نوشته بعید است همایون به ایرادهای وزنی کار پی نبرده باشد و با تاکید بر علاقه‌مندی‌اش به خانواده شجریان و کارهای هنری همایون نوشته که ظاهرا این خواننده انتخاب شعرها را به آدم‌های باسواد این عرصه نمی‌سپرد. او هم تصنیف را از نظر معنایی و چینش نامناسب کلمات نقد کرده و این طور نظرش را به پایان برده است: به خدا شما خیلی خوش صدا هستید، تصنیف‌های بسیار خوبی خوانده‌اید و ما را به آینده موسیقی سنتی امیدوار کردید و موسیقی سنتی خوب با شعر خوب به اوج می‌رسد.

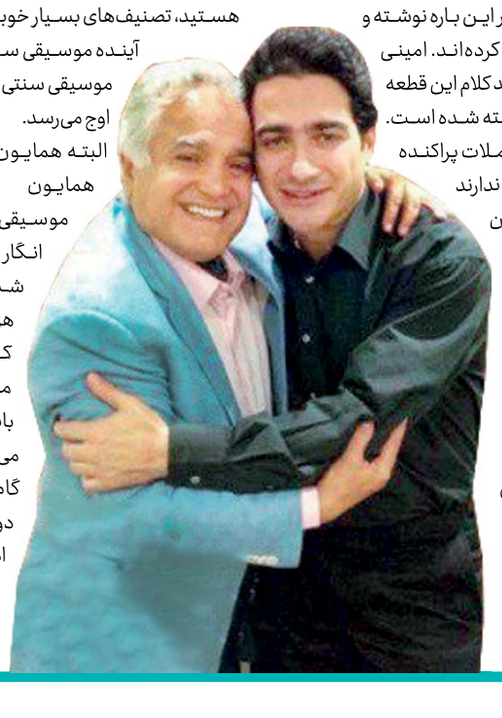

البته همایون این قطعه، همان همایون خواننده قطعات موسیقی سنتی نیست. او انگار به خواننده پاپ بدل شده و همین هم برخی هوادارانش را ناراحت کرده و درباره این موضوع نوشته‌اند. باید دید همایون چه می‌کند، همین‌طور گام‌های پراکنده یکی دو سال گذشته‌اش را ادامه می‌دهد یا دوباره به یک مسیر ثابت و مشخص بازمی‌گردد.